

مبانی معرفتی عناصر فرهنگ عامه در اشعار کودک و نوجوان

مریم کمالی*

حسین نوین**، عسگر صلاحی***

چکیده

شعر کودک و نوجوان از جمله شعرهای مفهومی است که جهت آموزش و آگاهی مخاطبان در آن مضامین متنوع گنجانده شده است. از جمله این مضامین، عناصر فرهنگ عامه است. در این مقاله سعی بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی، عناصر فرهنگ عامه، که شاعران حوزه کودک و نوجوان آن را به عنوان ابزاری برای اهداف تربیتی و اخلاقی و روشنگری آحاد جامعه به کار برده‌اند، مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. به همین منظور اشعار سه دهه اخیر بررسی و عناصر مطرح فرهنگی در این اشعار استخراج شده و اهداف مربوطه مورد تحلیل قرار گرفت. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاعران حوزه کودک و نوجوان با کاربرد عناصر فرهنگ مردم علاوه بر ارائه تصویری از فرهنگ جامعه خود و آموزش مسائل فرهنگی، موجبات حفظ و صیانت فرهنگ و هویت ملی خویش را فراهم آورده‌اند. آن‌ها نقش هر دو عنصر فرهنگ عامه (مادی و غیر مادی) را در شناخت و تداوم فرهنگ جامعه ضروری دانسته و با مؤلفه‌های فرهنگی، بسیاری از مبانی تربیتی، اخلاقی، روانشناسی و ... را خاطر نشان شده‌اند. در واقع کاربرد عناصر فرهنگی توسط شاعران این حوزه رویکرد معرفتی و تربیتی دارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، تربیت، معرفت، اشعار کودک و نوجوان، عناصر فرهنگ عامه.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، m_kamali28@yahoo.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)، drnovinh92@gmail.com

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، a_salahi@uma.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲

۱. مقدمه

فرهنگ عامه (فولکلور) که بخشی از فرهنگ ملت‌ها شمرده می‌شود، در اصل ریشه در گذشته و زندگی اقوام و ملل دارد و مطالعه آن، گویای سنت‌های قومی و ارزش‌های انسانی است. این بخش شامل مجموعه باورها، آداب و رسوم جشن‌ها و... است که حوزه‌ای گسترده دارد و در طول تاریخ همگان سازنده آن‌اند. (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۰) یکی از وجوه برجسته فرهنگ مردم در برخورداری آن از ارزش ملی و فراملی است. ارزش جهانی آن بدان سبب است که دانش عامه هر ملتی آینه ذوق و هنر و وسیله خوبی در راه شناختن خصوصیات آن قوم است و چون اغلب با فولکلور ملل دیگر رابطه تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد، می‌تواند پیام‌آور دوستی ملتی نزد سایر ملل باشد؛ اما از جنبه ملی، فرهنگ عامه هر ملتی در حکم شرح احوال و تصویر آداب و عادات آن قوم و روشن‌گر سوابق تاریخی و نشان‌دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم آن کشور است، بویژه در سرزمینی چون ایران با طوایف متعدد وقتی فولکلور هر منطقه را جداگانه بررسی کنیم، می‌بینیم با وجود اختلافات ظاهری، منبع آن‌ها یکی است و این خود محکم‌ترین سند وحدت قومی ایرانیان است. (همان، به نقل از انجوی شیرازی: ۹)

شاعران و نویسندگان از جمله کسانی هستند که با بازتاب عناصر فرهنگ عامه، یکی از عوامل وحدت اقوام، در آثار خود در جهت احیا و انتقال آن، تلاش می‌کنند. یکی از حوزه‌هایی که عناصر فرهنگ عامه با اهداف پرورش فکری و عاطفی، معرفتی، تعلیمی، تربیتی و همچنین انتقال به نسل‌های آتی مطرح شده، شعر کودک است؛ زیرا که پیوند کودک و فرهنگ عامه خود زمینه طرح این موضوع را در این حوزه فراهم ساخته است. کودکان از آن هنگام که در گهواره به سر می‌برند با لالایی (ابتدایی‌ترین شعر) و بعدها با انواع اشعار عامیانه چون بازی - ترانه، قصه‌های کوتاه منظوم، چیستان‌ها، معماها به عنوان شاخه‌ای از فرهنگ عامه آشنا می‌شوند. آن‌ها ابتدا شیفته ضرب‌آهنگ و موسیقی کلام می‌شوند و شعر را نوعی بازی کودکانه تلقی کرده (قرنل ایاغ، ۱۳۹۲: ۲۲۲) و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. این آشنایی اولیه موجبات درک کودک از این نوع ادبی را فراهم می‌آورد. علاوه بر این شعر کودک را می‌توان مناسب‌ترین حلقه ارتباطی در جهت آموزش به کودکان نام برد که می‌تواند علاقه آن‌ها را به خود جذب نماید؛ زیرا هر کودکی سه ویژگی دارد: اول اینکه کاملاً دارای عاطفه و احساس است. دیگر اینکه قدرت تخیل زیادی دارد و سوم آن که بسیاری از حرف‌ها و حرکات او از وزن و آهنگی خاص برخوردار است. این سه ویژگی در شعر هم

باید وجود داشته باشد تا مقبول واقع گردد. اشتراک این سه ویژگی میان شعر و کودک باعث می‌شود که کودکان شعر را بیشتر دوست داشته باشند. از این رو شعر در ادبیات کودک جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

پس شعر کودک به عنوان نوعی از شعر مفهومی و با توجه به جایگاهش، می‌تواند در کنار خانواده و مدرسه، راهی آسان در انتقال باورها، آداب و رسوم نیاکان به نسل‌های آینده بوده و طرح عناصر فرهنگ عامه در شعر کودک نیز می‌تواند بهترین ابزار در جهت پرورش فکر و عاطفه، معرفت، تعلیم و تربیت و به طور کلی اندیشه‌زایی باشد. همانگونه که ادبیات دارای برخی اهداف فرهنگی و اجتماعی مؤثر بوده و به خصوص در پرورش عاطفی و فکری نقش زیادی دارد. (کاتبی، ۱۳۵۶: ۱۱۱) این مقاله تلاش می‌کند تا عناصر فرهنگ مردم در اشعار کودک و نوجوان سه دهه اخیر و علت استفاده شاعران از این عناصر را مورد بررسی قرار دهد. این بررسی نشان می‌دهد که شاعران با کاربرد عناصر مادی و معنوی فرهنگ علاوه بر آموزش آن‌ها و ارائه تصویری از فرهنگ جامعه خود، در جهت احیا و انتقال عناصر فرهنگی تلاش نموده‌اند. آن‌ها نقش هر دو عنصر سازنده فرهنگ عامه را در شناخت و تداوم فرهنگ جامعه ضروری دانسته و هر دو را به عنوان ابزاری برای آموزش بسیاری از مبانی تربیتی، اخلاقی، روان‌شناسی و ... استفاده نموده‌اند. چنانچه با بیان برخی از عناصر معنوی چون جشن‌ها و رسوم علاوه بر شناساندن بخشی از مبانی هویت ملی، موجبات حفظ و صیانت فرهنگ و هویت ملی خویش را فراهم آورده و به تحکیم روابط خویشاوندی و خانوادگی نیز تأکید نموده‌اند یا هدفشان از کاربرد چیستان و لالایی‌ها آموزش، سرگرمی، رشد عواطف و هیجانات، پرورش ذهنی مخاطب و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی وی بوده است. همچنین زمانی که از عناصر مادی چون آثار و بناهای تاریخی و ... در شعر سخن رانده‌اند، هدفشان علاوه بر معرفی، آگاهی از هویت، فرهنگ، تمدن و تاریخ، شناساندن ارزش آثار تاریخی، ایجاد پیوند فرهنگی بین نسل‌ها و ... بوده است.

ضرورت و اهمیت این پژوهش در آن است که با پرداختن به این موارد، ضمن نمایان ساختن نقش شاعران و اهدافشان از کاربرد عناصر فرهنگی و همچنین کارکرد معرفتی و تربیتی این عناصر، موجب می‌شود زوایای تاریک فرهنگ مردم در اشعار کودک و نوجوان نیز روشن گشته و بعدها جهت آموزش مورد استفاده قرار گیرد.

۱.۱ روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است. به این گونه که با مطالعه اشعار حوزه کودک و نوجوان سه دهه اخیر و یادداشت‌برداری عناصر فرهنگ عامه از آن آثار و دسته‌بندی آن مؤلفه‌ها به صورت مادی و معنوی، به تبیین و تحلیل آن‌ها از دید تربیتی، اخلاقی و معرفتی پرداخته شده است.

۲.۱ پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه «مبانی معرفتی عناصر فرهنگ عامه در شعر کودک و نوجوان» صورت نگرفته، اما پژوهش‌هایی مرتبط با آن انجام گرفته است: محمدهادی محمدی و زهره قائینی (۱۳۹۰) در جلد اول «تاریخ ادبیات کودکان ایران» در بخش کوتاهی از فرهنگ عامه سخن رانده و به بیان کارکردهای اولیه لالایی، ترانه و چیستان پرداخته‌اند. در این کتاب به کارکرد دیگر عناصر پرداخته نشده است. کمال پولادی (۱۳۸۷) در کتاب «بنیادهای ادبیات کودک»، فصلی را به قصه‌های فرهنگ عامه و ارزش کاربردی آن‌ها در کتاب‌های کودکان اختصاص داده‌اند. ایشان فقط به یک عنصر (قصه) پرداخته و دیگر عناصر فرهنگی را مورد توجه قرار نداده‌اند. اسدالله شعبانی (۱۳۸۳) در مقاله «ما گل‌های خندانیم، فرزندان ایرانیم» فرهنگ عامه را به عنوان یکی از علل گிரایی شعر کودک نام برده‌اند. اما ایشان از کارکردها و اهدافی که می‌توان از ذکر فرهنگ عامه در این حوزه دنبال کرد، سخن نگفته‌اند. ای. کولینان (۲۰۰۲) در کتاب ادبیات و کودک، بخشی را به فرهنگ عامه به عنوان یکی از ژانرهای ادبیات کودکان اختصاص داده‌اند.

در زمینه آموزش مبانی معرفتی در حوزه شعر کودک و نوجوان به روش‌های غیرمستقیم نیز تحقیقاتی صورت گرفته است:

رامین محرمی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی تطبیقی شعر کودک در هوپ هوپ‌نامه علی اکبر صابر و دیوان نسیم شمال» بیان می‌کند که استفاده از نماد، فابل و شخصیت‌بخشی برای ملموس‌سازی حقایق زندگی و تعلیم مباحث دینی، اخلاقی، آموزشی از شیوه‌های شاعری شاعران مذکور است. این مقاله فقط از نقش پاره‌ای شیوه‌ها چون نماد، فابل، شخصیت-بخشی در تعلیم غیرمستقیم، آن هم در دو اثر فوق سخن رانده است.

کمال پولادی (۱۳۸۷) در فصل هفتم کتاب «بنیادهای ادبیات کودک» نقش قصه‌های فانتزی از جمله قصه‌های پریان، اسطوره‌ها، حماسه‌ها را در رشد عاطفی و اجتماعی کودک مهم دانسته و از نقش دیگر عناصر فرهنگی سخن نگفته‌اند.

۲. بررسی و تحلیل عناصر فرهنگی

یکی از مؤلفه‌های مهم هویت ملت‌ها، فرهنگ است. فرهنگ هر ملتی، آمیزه‌ای از عناصر مختلف است که در ارتباط با یکدیگر فرهنگ ملی را می‌سازند. فرهنگ عامه یکی از این عناصر محسوب می‌شود. این شاخه از فرهنگ از دو عنصر معنوی و مادی تشکیل یافته است:

۱.۲ عناصر معنوی فرهنگ

این بخش شامل باورها، آیین‌ها، رسوم و ... است که روی هم رفته عناصر معنوی فرهنگ عامه محسوب می‌شوند. شعر کودک و نوجوان با بسیاری از این عناصر آمیخته است. شاعران با آموزش این بخش از فرهنگ، علاوه بر نشان دادن ارزش آن و عدم فراموشی در میان نسل‌های آینده، در راستای توان و امکانات عناصر آن در جهت معرفت و آموزش کودکان و نوجوانان بهره جسته‌اند. مهم‌ترین این عناصر عبارتند از:

۱.۱.۲ لالایی

لالایی‌ها بخش مهمی از فرهنگ عامه محسوب شده و «همزمان شعر و موسیقی و رقص را به اجرا در می‌آورند. شعری برآمده از جان زلال مادر و موسیقی برخاسته از زبان شیرین او با اجرای رقص موزون کودک در گهواره یا زانوی مهربان مادر» (حسن‌لی، ۱۳۸۲: ۶۳)

مطالعه‌ی لالایی‌های هر ملتی می‌تواند ما را با فرهنگ و هویت گذشتگان آشنا سازد؛ زیرا در بستر لالایی‌ها گاهی مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز به نمایش در می‌آیند.

شاعران بخشی از شعر کودک را به لالایی‌ها اختصاص داده‌اند. آن‌ها با گنجاندن مضامین لالایی‌های قدیم در لالایی‌های امروزی، سعی کرده‌اند میان نشان پلی زده و مانع فراموشی این عنصر فرهنگی و مضامین آن شوند. این در حالیست که شاعران با بیان هر یک از این مضامین علاوه بر توجه به عناصر فرهنگی و حفظ آن‌ها از دیگر اهداف خود

چون رشد عواطف کودک و آموزش وی غافل نبوده‌اند. یکی از مضامین مشترک لالایی - های قدیم و امروزی با کارکرد آموزشی، تشبیه کودک به مظاهر طبیعت است:

- لالا لالا لالا / گل زیبای من لالا / گل باغ و چمن لالا / مکن ای باد شب هوهو / مرو آن سو، مرو این سو / که خوابیده گلی خوشبو / میان سبزه‌ها گل‌ها (شعبانی، ۱۳۸۷):

(۶)

شاعر با تشبیه کودک به گل، زمینه‌آشنایی او با طبیعت و عناصر آن چون گل، چمن و باغ را فراهم می‌سازد، به گونه‌ای که کودک در قالب این لالایی با طبیعت خو گرفته و آن را یکی از نمودهای زیبایی می‌شناسد.

برخی از مضامین مشترک نیز که از عواطف مادرانه نشأت می‌گیرد، شامل قربان صدقه رفتن و دعای مادر در حق فرزند می‌شود. این لالایی‌ها بیشتر با هدف رشد عواطف کودک و تحریک احساسات وی مطرح می‌شود:

- لالا لالا شب تاره / گلم تب داره، بیماره / خدا از باد پاییزی / نهالم را نگه داره (اسلامی، ۱۳۹۳: ۳۰)

در لالایی فوق، مادر با تشبیه کودک به نهال دعا می‌کند خداوند نگهدار او باشد. پاره‌ای از مضامین نیز شامل ترساندن از موجودات خیالی است که هدف از آن در کنار به خواب رفتن کودکان، آشنایی اولیه آن‌ها با هیجان‌ات روحی از جمله ترس است:

- لالا لولوی شب، لالا / گلم خوابیده این بالا / نکرده هیچ شیطونی / برو بیرون همین حالا / لالا لولو! برو بیرون / از این خونه، از این ایوون / که این گلبرگ زیبا رو / نمی‌دم دست این و اون (همان: ۴۵)

اما نکته‌ای که در لالایی‌های امروزی برخلاف لالایی‌های قدیم دیده می‌شود، صحبت از مسائل فلسفی است. صحبت از این گونه مسائل اگرچه برای کودک غیرقابل درک است، گاهی در لالایی‌های امروزی نمایان می‌شود. شاعران در این لالایی‌ها بیشتر توجه مخاطب را به دنیا و تغییرات آن، و نیز به ارزش عمر جلب می‌کنند:

- لالا لالا بخواب دیره / زمستون هم یه روز می‌ره / همیشه چهره دنیا / گلم در حال تغییره / یه روز گرمه، یه روز سرده / یه روز شادی، یه روز درده / لالا لالا فقط عمره / که هرگز بر نمی‌گرده (همان: ۴۱)

شاعر با مقابل هم قرار دادن تضادهای زندگی چون شادی و غم، گرما و سرما می‌گوید هیچ چیز در دنیا پایدار نیست و باید این را پذیرفته و متوجه ارزش عمر باشیم.

گفتنی است اگرچه در گام اول مضمون بیشتر لالایی‌ها تأکید بر این است که: بچه جان، راحت بخواب! مامانت اینجاست! تو تندرست هستی و دلیلی برای بی‌تابی کردن نیست! (سرامی، ۱۳۸۰: ۱۴) اما هدف از کاربرد آن‌ها در شعر کودک، آموزشی، تربیتی و رشد عواطف و هیجانات و در کل شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودک نیز است.

۲.۱.۲ چیستان

چیستان از دیگر عناصر فرهنگ عامه است که بخشی از شعر کودک و نوجوان را دربر گرفته است. هدف از طرح این عنصر فرهنگی در شعر کودک علاوه بر نقش مؤثر آن در یادگیری در راستای کارکرد این عنصر است؛ یعنی: آموزش‌تربیت، تحریک حس کنجکاوی، ایجاد سرگرمی، رقابت‌های مثبت و پرورش روحیه حاضر جوابی، تبیین جهان-بینی و تمایلات انسانی، آزمایش و سنجش هوش (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۷۵ و ۲۷۶) چیستان‌های مطرح در این حوزه از نظر موضوع در چند دسته قرار می‌گیرند:

- پدیده‌های طبیعی

در این گونه از چیستان‌ها، گوینده می‌کوشد مشخصات دور و نزدیک عناصر طبیعت و مظاهر آفرینش را بپرسد. (همان: ۲۷۷) که هدف از این پرسش در شعر کودک، بیشتر آموزش پدیده‌ها به مخاطب است، چنانچه شاعر در قالب چیستان زیر و با استفاده از صنعت تشبیه، ماه را به عنوان یکی از پدیده‌های طبیعی معرفی می‌کند. چیستان به گونه‌ای به کار رفته که علاوه بر جنبه آموزشی، با استفاده از کلماتی چون قدقد قدا و مرغ و جوجه قصد سرگرمی کودک را نیز دارد:

ماه: اون چیه که قد قد قدا/ نشسته اون بالا بالا/ مرغ طلاست که شب‌ها/ هزار هزار جوجه داره/.../ صبح که می‌شه خورشید خانم/ مرغ طلا رو می‌خوره/ همه جوجه‌ها رو می‌خوره (رحماندوست، ۱۳۹۳ الف: ۸)

- جانداران

این نوع از چیستان‌ها نیز شامل نام، اعضا و رفتار جانداران، اعم از انسان و حیوان است. (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۷۸) جنبه معرفتی این گونه چیستان‌ها در این است که کودکان نسبت به جانداران، خصوصیات و محیط زندگی‌شان شناخت حاصل می‌کنند:

ماهی: اون چیه که قشنگه؟/ شناگری زرنکه؟/ خونه‌اش کنجاست؟/ تو تنگ آب/ نه سقف داره، نه تخت خواب (رحماندوست، ۱۳۹۳ د: ۲)

در چیستان فوق شاعر ضمن تأکید بر جنبه آموزشی (شناخت ماهی) با راهنمایی‌های لازم و به چالش کشیدن حس کنجکاوی کودک، سعی نموده وی به پاسخ برسد.

- بی‌جان‌ها

در این گونه از چیستان‌ها مکان، خوراک، پوشاک و اشیاء مورد سؤال قرار می‌گیرد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۷۸) اگرچه این چیستان‌ها، از وسایل اطراف کودک طرح می‌شود، شاعر از ذکر آن‌ها قصد آموزش و آشنایی با محیط و اشیای پیرامون را دارد:

پنیر: اون چیه که سفیده/ خوش مزه و تمیزه/ تو انگلیسی «چیزه»/ با صبحانه، با پیتزا/ می- آد به خونه‌ی ما/ شیر بوده، اما شیر نیست/ بگو که اسم اون چیست؟ (رحماندوست، ۱۳۹۳: ۸)

در چیستان فوق شاعر جدا از واداشتن کودک به تکاپوی فکری، به صورت مستقیم به آموزش پنیر و غیرمستقیم به آموزش معادل انگلیسی کلمه پنیر می‌پردازد.

- رستنی‌ها

در این چیستان‌ها نیز کودک نه تنها با انواع رویدنی‌ها آشنا شده بلکه از طعم، شکل، فواید و رنگ آن‌ها نیز آگاهی می‌یابد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۷۸)

نارنگی: اون چی چیه، اون چیه/ گرده و نارنجیه/ یه توپ نازنینه/ آبداره و شیرینه/.../ خواهر پرتقاله (رحماندوست، ۱۳۹۳: ج: ۴)

در این مورد شاعر علاوه بر معرفی نارنگی، با استفاده از تشبیه آن به توپ، یکی از وسایل بازی کودکان، و همچنین صنعت تشخیص، به نوعی کودک را سرگرم و در عین حال مشتاق به پاسخ‌دهی نموده است.

۳.۱.۲ آیین‌های ملی

یکی از مؤلفه‌های کلیدی در نگرهبانی از هویت ایرانی، جشن‌ها و رسوم ملی است که به واسطه دیرینگی و فراگیری از اهمیت والایی برخوردارند. این رسوم از عهد کهن در ایران وجود داشته و تحولاتی مانند ظهور اسلام یا گسترش ارزش‌ها و هنجارهای غربی، نه تنها آن‌ها را از میان نبرده است، بلکه در پی استمرار و مداومت به بخشی از هویت ایرانیان تبدیل شده‌اند. (نصیری، ۱۳۸۷: ۱۸۶)

در شعر کودک و نوجوان، شاعران نه تنها سعی کرده‌اند با بیان این جشن‌ها، موجبات حفظ و صیانت فرهنگ و هویت ملی خویش را فراهم آورند، بلکه کوشیده‌اند کودکان از همان کودکی نسبت به رسوم آگاه گشته و هویت‌شناس به بار آیند.

عید نوروز از جمله جشن‌ها است. اشاره به سنت‌ها و آداب و رسوم عید نوروز چون سبزه رویانیدن، چیدن سفره هفت‌سین، دید و بازدید، عیدی دادن، خانه‌تکانی و ... در اشعار کودک و نوجوان به ویژه از همان رده‌های سنی پایین کاملاً مشهود است که این امر حاکی از اهمیت دادن شاعران و جلب توجه کودکان به این عنصر هویتی و فرهنگی و همچنین نمایش باورهای خفته در بطن این رسوم است. به عنوان مثال در فرهنگ و باور ایرانی یکی از دلایل رویانیدن سبزه این است که آغاز سال با سرسبزی شگون داشته و سبزه در این ایام نماد بهار است، در شعر کودک نیز می‌بینیم شاعر جهت رساندن این پیام، کودک را در موقعیتی قرار داده که وقتی دانه جوانه‌زده را می‌بیند، آن را بهار کوچک می‌شمارد، بهاری که پیک سرسبزی و زنده شدن طبیعت است:

- مادرم یک کاسه گندم/ خیس کرد و منتظر ماند/ ... دانه‌های کوچک او/ رشد کرد و زد جوانه/ او بهار کوچکی را/ هدیه آورده به خانه/ با بهار کوچک او/ با دعای خوب بابا/ شد پر از لبخند و شادی/ هفت‌سین سفره ما (شهبازی، ۱۳۹۵: ۱۰)

یا چیدن سفره هفت‌سین از دیگر رسوم ویژه نوروز است که شاعران کودک و نوجوان در جهت آموزش آن گام‌هایی برداشته‌اند که نتیجه آن آشنایی با بخشی از هویت فرهنگی و ایرانی و همچنین رنگ نباختن آن رسوم با ذکرشان است:

- اتل متل، عید/ اومد دوباره/ نوروزه فردا/ فصل بهاره/ نسیم و بارون/ ابرای چین‌چین/ بیا بچینیم/ سفره هفت‌سین/ می‌رسه مهمون/ از دور و نزدیک/ سلام، روبوسی/ عیدی و تبریک (کشاورز، ۱۳۹۲: ۴)

کودک در قالب این شعر علاوه بر اینکه درمی‌یابد نوروز در بهار که نشانگر سرزندگی و نشاط طبیعت است، جشن گرفته شده و سفره چیدن از رسوم اصلی است، بلکه با دیگر عمده رسوم چون دید و بازدید نیز آشنا می‌شود.

چهارشنبه‌سوری از دیگر جشن‌هایی است که شاعران با ذکر آن، نکته‌های تربیتی مدنظرشان بوده است. چنانچه در شعر زیر شاعر ضمن کاربرد این عنصر مخاطب را متوجه احترام به حقوق همدیگر ساخته و از کارهای مخاطره‌آمیز برحذر می‌دارد:

- تتق تتق، ترق توروق/ نارنجک و آژیر و بوق/ آتیش رسید به آسمون/ کوچه شده شولوغ پولوغ/ خیابونا را بندونه/ برو بیا فراوونه/.../ اونایی که مریض دارن/ آخه باید چیکار کنن؟/.../ مادر بهش گفت عزیزم/ گلدونه جوون! گول نخوری/ آتیش بازی خطر داره/ نری به چهارشنبه سوری/ ببین چه کار زشتیه/ که مردم می ترسونن/ ببین تن مریضا رو/ با هر صدا می لرزونن (پرشاد، ۱۳۸۹: ۱۲۴)

یلدا دیگر جشن باستانی است که در شعر کودک توجه ویژه‌ای به آن شده است؛ شاعران با صحبت از یلدا و آداب خاص آن چون دور هم نشینی شبانه، شاهنامه خوانی، خوردن میوه‌های مخصوص یلدا چون انار و هندوانه، گام بزرگی را در راستای شناسایی بخشی از مبانی هویت ملی برداشته‌اند، اگرچه با تأکید بر هر کدام از این آداب، جنبه‌های معرفتی را نیز در نظر داشته‌اند، چنانچه با یادآوری قصه‌های رستم، علاوه بر توجه به جنبه‌های حماسی و پهلوانی به صورت غیرمستقیم درس شجاعت را به کودک نیز آموزش داده یا با اشاره به دور هم نشینی شبانه بر تحکیم روابط خویشاوندی و خانوادگی نظر داشته‌اند:

غروب که شد مهمونا/ با بچه‌ها رسیدند/ وقت غذا رو کرسی/ سفره شام و چیدند/ بعد از غذا بزرگا/ شاهنامه خونی کردند/ با قصه‌های رستم/ یاد جوونی کردند/.../ مادر گذاشت رو کرسی/ انار و هندوونه/ آدم برفی می لرزید/ توی حیات خونه/.../ مهمونا آخر شب/ رفتند خونه‌هاشون/ نسیم یلدا وزید/ به روی گونه‌هاشون/ چله تو کشور ما/ شروع فصل سرماست/ نام لطیف امشب/ اسم قشنگ یلداست. (شفیعی مشعوف، ۱۳۹۲: ۳-۱۲)

۴.۱.۲ زبان عامه

زبان یکی از اصلی‌ترین عناصر هویتی جوامع به شمار می‌آید. این پدیده اجتماعی در همه جوامع به یک شکل کاربرد ندارد. در واقع «زبان کاربردی هر جامعه و در هر دوره یا زبان معیار و رسمی است یا زبان عامه مردم» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۳۶۹) زبان عامه «غالباً هر واژه و اصطلاح و عبارت آن ریشه در اعماق عقاید، باورها، آداب و سنت‌ها و تجربه‌های گوناگون محیطی و اجتماعی و قومی دارد که در طول سالیان متمادی شکل یافته‌اند.» (دین محمدی کرسفی، ۱۳۸۴: ۸۷)

در شعر کودک و نوجوان، شاعران از هر دو زبان عامه و رسمی برای بیان سخن خود سود جستند. اما گفتنی است کاربرد زبان عامه در گروه‌های سنی پایین‌تر رایج‌تر است. پاره‌ای از عناصر برجسته زبان عامه در شعر کودک و نوجوان عبارتند از:

- مثل

مثل، یکی از زیر مجموعه‌های فرهنگ مردم است که در تعریف آن گفته‌اند: جمله‌ای مختصر به نظم یا نثر یا قاعده اخلاقی است که از فرط سادگی، روانی و ایجاز، همگان آن را استشهد نمایند. (حکمت، ۱۳۸۷: ۶۵) امثال علاوه بر انعکاس باورها و شرایط اجتماعی و فرهنگی گذشتگان، ضبط‌کننده وقایع، حکایات و عهده‌دار ضبط و نگهداری بعضی لغات و اصطلاحات زبان نیز هستند. (بهمنیار، ۱۳۶۹: مقدمه/ ی)

استفاده شاعران از مثل در موقعیت‌های متفاوت، علاوه بر نمایش توجه آن‌ها به این عنصر فرهنگی، نشان‌دهنده چگونگی رفع ابهام و تبیین سخن به وسیله مثل و همچنین آشنایی کودک و نوجوان با نحوه کاربرد آن در موقعیت‌های مختلف است:

- مادرش از راه رسید/ داد کشید: «خونه رو ریختی به هم/ ای پسر بد شکم/ می- خوری و می‌ریزی/ دست می‌کنی تو دیزی؟!» / علی کوچولو دست‌پاچه شد خیلی زود/ گفت: «ننه جون من نبودم، گربه بود»/ مادر از این دروغ او/ خندید و گفت: «ای شکمو/ دیزی درش بازه ولی/ بگو حیای گربه کو؟» (شعبانی، ۱۳۹۱: ۸)

چنانچه می‌بینیم استفاده شاعر از این مثل آگاهانه است. وی ابتدا از خرابکاری کودک سخن می‌گوید و بلافاصله از مثل استفاده می‌نماید تا مخاطب هم با موقعیت و مفهوم مثل و هم با نحوه کاربرد آن آشنا شود.

- کنایه

کنایه نیز یکی از اجزای زبان عامه محسوب می‌شود. در واقع کنایه «یکی از صورت‌های بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است. بسیاری از معانی را که اگر با منطق عادی گفتار ادا کنیم، لذت‌بخش نیست و گاه مستهجن و زشت می‌نماید، از رهگذر کنایه می‌توان به اسلوبی دلکش و مؤثر بیان کرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۴۱) شاعران در شعر کودک و نوجوان از کنایه جهت واداشتن مخاطب به تفکر و تحلیل، رشد ذهنی کودک و نوجوان و افزایش قدرت درک و تحلیل آن‌ها و همچنین آگاهی از کنایه‌ها، موقعیت کاربرد و معانی آن‌ها استفاده نموده‌اند:

موی دماغ شدن: کنایه است از مزاحم شدن (ثروت، ۱۳۹۶: ۴۳۹)

- خوردی و خوابیدی شب و روز/ آقا شدی در خانه من /.../ یک‌دفعه یاد موش کردی / وحشی‌گری آمد سراغت / آن خلق و خوی نفرت‌انگیز / شد باز هم موی دماغت (کیانوش، ۱۳۷۸: ۲۲)

- اصطلاح‌ها

اصطلاح، واحد معنی‌داری است که از یک یا چند عنصر زبانی ساخته شده و بر روی هم، مفهوم واحدی را برساند؛ به عبارتی دیگر اصطلاحات، گفتار قالبی شده‌ای هستند که اغلب در شرایط خاص و محدود اجتماعی به کار می‌روند. به اصطلاحات و زبان‌زدهای عامه نیز، ساخت‌های قالبی می‌گویند. (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۳۸۵)

دعاها، تعارف‌ها، نفرین‌ها و القاب از جمله اصطلاحات عامه مطرح در شعر کودک و نوجوان هستند. شاعران این اصطلاحات را با هدف آموزش آن‌ها و موقعیت استفاده و نحوه کاربردشان و از همه مهم‌تر نحوه برقراری ارتباط با دیگران در شعرشان مطرح کرده‌اند. چنانچه اصطلاحات مربوط به تعارف، در شعر کودک بیشتر جنبه تأکیدی بر نحوه برقراری و تقویت و تحکیم روابط اجتماعی در بین افراد دارند؛ به عبارتی هدف شاعران از این اصطلاحات تربیتی-آموزشی است؛ زیرا این اصطلاحات «در روابط متقابل عاطفی و اجتماعی و مناسبت‌های گوناگون زندگی به ویژه در مهمانی‌ها و آیین‌های سور و سوگ میان مردم رد و بدل می‌شوند.» (همان: ۳۹۱)

- هوای نوبهاری / نم‌نم باران / چهچه قناری / بر لب ایوان /.../ بهار پشت شیشه / جشن جوانه / خنده و دیده‌بوسی / خانه به خانه / عید شما مبارک / عید شما هم / همیشه شاد باشیم / همیشه با هم (شعبانی، ۱۳۹۵: ۳۰)

چنانچه می‌بینیم شاعر بهترین دستاویز یعنی دید و بازدید نوروز را در آموزش اصطلاحات تعارفی و تقویت روحی و روانی به کار گرفته است. در موردی دیگر شاعر، خوش‌آمدگویی به مسافر را در قالب شعر و تعارف به کودک آموزش می‌دهد:

- شهر گل محمدی / مسافری؟ خوش آمدی (پرشاد، ۱۳۸۹: ۴۴)

غرض شاعر با این خوش‌آمدگویی که نشان از ادب و احترام دارد، تقویت روابط اجتماعی و آموزش اصطلاحات در جهت بهبود روابط است، لذا اصطلاح خوش‌آمدی را به بهترین نحو و در جایگاه مطلوب (یعنی در مقابل مسافر و میهمان) به کار می‌برد تا به این‌گونه کودک در شکل عملی نیز آن را انجام دهد.

یا دعا که بیشتر برای وطن به کار رفته، جنبه معرفتی آن در تحریک حس وطن‌دوستی، دفاع از سرزمین مشترک و مزین شدن به صفات پسندیده‌ای چون شجاعت است:

- ای خاک پاک ایران/ نترس با تو هستیم/ ما بچه‌های ایران/ به پای تو نشستیم/ با دست‌های کوچک/ برات دعا می‌کنیم/.../ الهی که تو باشی/ پاینده و درخشان/ ما یک صدا می‌گوییم/ آباد باش ای ایران (همان: ۵۳)

- تلمیحات

این بخش از زبان عامه بهترین ابزار در جهت آموزش و تعلیم به شمار می‌رود، زیرا نه تنها کوتاه و مجمل بوده و به جای نقل کردن می‌توان از طریق آن بسیاری نکات را خاطر نشان شد بلکه می‌توان از گذشته فرهنگی و تاریخی نیز به مخاطب آگاهی داد. چنانچه در نمونه زیر شاعر بیان می‌کند قصه گذشتگان مایه جان است و با استناد به زندگی گذشتگانی چون رستم به این امر تأکید می‌کند که باید گذشتگان را باور کرد:

بابا بزرگ، قصه‌ای امشب/ از روزهای دور بیاور/ یک آسمان شکوفه شادی/ باغ‌های نور بیاور/.../ بابا بزرگ، رستم دستان از سرزمین قصه چرا رفت؟/ بیژن به چاه ماند و منیژه/ با آن دل شکسته کجا رفت؟ / بابا بزرگ قصه امروز/ هر جا که هست غصه نان است/ از روزهای دور بیاور/ آن قصه را که مایه جان است. (کیانوش، ۱۳۷۸: ۷)

۵.۱.۲ آداب و رسوم

۱.۵.۱.۲ مراسم ازدواج

ازدواج در هر ملتی آداب خاص خود را دارد. ایرانی‌ها این امر مقدس را در روزها و مراحل چند با آداب و رسوم خاصی برگزار می‌کنند. این مراسم با خواستگاری آغاز شده و در ادامه با بله‌بران و عقد و ... به ازدواج ختم می‌شود. شعر کودک و نوجوان اگرچه به نظر می‌رسد شعری خالی از این گونه مسائل باشد، اما شاعران این مسأله را هم نادیده نگرفته و از ذکر آن اهدافی را دنبال کرده‌اند. چنانچه شاعر می‌گوید:

.../ سومی سوسن و سنبل/ سلام و یه دسته گل/ چهارمی چاره کاره/ گفت و گو، قول و قراره/ گل و چای و خواستگاری/ دو کبوتر، دو قناری/.../ ششمی شیرینی خورونه/ یا همان بعله‌برونه/.../ هفتمی هفت آسمونه/ آقا داره عقد می‌خونه/ هشتمی هر شب هفته/ کوه عروس؟ مهمونی رفته/ آقا داماد تو کجایی؟/ هر دو رفتن پا گشایی/.../ دهمی دایره و دنبک/ مبارک باشه، مبارک (رحماندوست، ۱۳۸۸: ۱۲)

با تأمل در شعر درمی‌یابیم هدف شاعر علاوه بر آشنایی مخاطب با رسوم ازدواج، بیان اهمیت تشکیل خانواده است. ضمن اینکه شاعر در ترویج ازدواج سنتی کوشیده و می‌خواهد ازدواج سنتی و آداب مربوط به آن در ذهن کودک و نوجوان نهادینه شود.

۶.۱.۲ باورهای عامه

باورهای عامه بخشی از فرهنگ عامه جوامع را در بر می‌گیرد. در این بخش می‌توان با عقاید و طرز نگرش مردم آشنا شد. در شعر کودک به پاره‌ای عقاید عامه، به ویژه اعتقاد به موجودات فراطبیعی اشاره شده است. در شعر زیر سخن از پری ریشه اعتقادی دارد:

عینکی روی ساحل / یه شیشه پیدا کرده / دل رو زده به دریا / در اونو وا کرده / تو شیشه،
یک کاغذ / یه چیزی روش نوشته / مامان میگه: «فکر کنم / کاغذ سرنوشته» / نوشته روش:
«هر کسی / این شیشه رو واکنه / باید بیاد و من رو / تو دریا پیدا کنه» / عینکی می‌گه: «حتماً /
پری مهربونه» (مزینانی، ۱۳۸۹: ۴۰)

گاهی نیز از دیو سخن رفته است. در شعر کودک تصویری که کودک از دیو دارد، معمولاً نیرومند بودن آن است:

امروز من تنهای تنها / توی اتاقم مانده بودم / چون خواهرم را وقت بازی / این بار هم
ترسانده بودم / من توی بازی می‌شوم دیو / پُر زورتر از من کسی نیست / او می‌شود زندانی
من / زندان او صندوق بی‌بی‌ست. (راد، ۱۳۷۷: ۱۸)

شاعر در این شعر به صورت غیرمستقیم مخاطب را به دارا بودن صفاتی چون شجاعت و دلیری و نیرومندی تشویق می‌کند.

روی هم رفته اگرچه در شعر کودک و نوجوان از این موجودات فراطبیعی سخن می‌رود، با توجه به قدرت تحلیل کودک هدف شاعران از کاربرد آنها علاوه بر نمایش اعتقادات پیشینیان و آشنایی کودک با این باورها، به تصویر کشیدن شناخت اولیه کودکان از این موجودات (پری به مهربانی، دیو به نیرومندی و ترسناکی) نیز است.

۲.۲ عناصر مادی فرهنگ

عناصر مادی، پدیده‌هایی‌اند که «محسوس و ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین کمی و علمی هستند؛ مانند فنون و ابزارها» (روح‌الامینی، ۱۳۶۵: ۲۴) شاعران کودک و نوجوان از این عناصر همچون عناصر معنوی در شعرشان بهره‌جسته و از ذکر آنها اهدافی چون

شناساندن هویت، تمدن و فرهنگ، ایجاد پیوند فرهنگی بین نسل‌ها، ترویج فرهنگ و هنر ایرانی، آشنایی با پیشینه تاریخی و فرهنگی را دنبال کرده‌اند:

۱.۲.۲ ابزار

فرش، یکی از جلوه‌های هنر و فرهنگ ایرانی در سراسر دنیا است، از این رو یکی از مهم‌ترین وظایف اهل فرهنگ و قلم این است که زمینه ذهنی و فرهنگی این پدیده هنری را در میان مردم به ویژه کودکان زنده نگاه دارند تا چنین ارزش‌هایی از همان کودکی در روح و روان کودکان نهادینه شود. البته این به معنای آموزش هنر فرش‌بافی نیست، بلکه ایجاد نوعی پیوند فرهنگی است. (حجوانی، ۱۳۸۵: ۲۶) برخی از شاعران در این راستا کوشیده و در جهت ترویج فرهنگ و هنر غنی ایرانی گام‌هایی برداشته‌اند:

دار قالی / کلاف رنگارنگ / رشته‌ها، رشته‌های ابریشم / ... / یک ترنج بزرگ / در دل متن / نقش‌ها، نقش‌های ایرانی / گوشه‌هایش پر از کلاله ریز / در خطوط کناره قالی / برگ‌ها، برگ‌هایی از پاییز / رقص انگشت‌های دخترکان / گردش شانه، پایکوبی دف / جشن، یک جشن با شکوه شکار / شاه و سیل سوار / ... / گرد بر گردشان نشسته به راه / یک ردیف از فرشتگان، خاموش / اخم‌ها در هم و گره به گره / سبد میوه‌هایشان بر دوش / ... (شعبانی، ۱۳۹۲: ۵۱)

در شعر فوق، کودکان با ابزار قالی‌بافی (دار، کلاف، رشته) و نقش قالی (از جمله ترنج که یکی از کهن‌ترین نقش‌های فرش ایرانی است) آشنا می‌شوند. شاعر آشنایی با این هنر و نکات ریز آن را، که در حکم گنجینه‌ای فرهنگی است، برای نسل‌های بعدی ضروری دانسته و با صحبت از آن پیوند فرهنگی را ایجاد نموده است.

۲.۲.۲ مکان‌ها و آثار

۱.۲.۲.۲ آثار و بناهای تاریخی

آثار و بناهای تاریخی که نشان از تمدن و فرهنگ چندین هزار ساله ملت‌ها دارند، یکی از عناصر مادی فرهنگ محسوب می‌شوند. در اشعار کودک هدف از شناساندن آثار تاریخی، نه تنها شناساندن هویت، تمدن و فرهنگ بوده، بلکه شناساندن ارزش‌های آن‌ها نیز است؛ زیرا هویت و شناخت ارزش آثار در ارتباط مستقیمی هستند. یعنی «شناخت جامع ارزش‌های آثار تاریخی در راستای شناخت کامل فرهنگ و هویت آن جامعه‌ای است که آثار تاریخی در آن قرار دارد. چنین شناختی می‌تواند ابعاد مختلف جهان‌بینی انسان‌های

جامعه را در دوره‌های تاریخی نمایان سازد.» (نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷۹) وقتی شاعر می‌گوید:

این شهر که می‌بینی / پر شده از قشنگی / یه جا داره به اسم / میدون شیر سنگی / یه تندیس قدیمی / که جنسی داره از سنگ / یک اثر تاریخی / یه شیر ناز و قشنگ / یه جایی هست به اسم / تپهٔ حکمتانه / نشانه از قدمت / شهر ما همدانه (کوثری هنرمند، ۱۳۹۲: ۷)

وی یک اثر و به دنبال آن بنای تاریخی را معرفی می‌کند که در خود ارزش‌های فرهنگی و تاریخی را نهفته ساخته است. او با این معرفی مخاطب را به دل گذشته و تاریخ برده و او را با تمدن، آثار و سرگذشت نیاکان آشنا می‌سازد. اما نکتهٔ دیگر این است که شاعر بعد از معرفی اثر و بنای تاریخی به نام شهری که اثر و بنا در آن واقع شده، اشاره می‌کند و این نشان می‌دهد که آثار و بناهای تاریخی، در ارزش‌گذاری شهرها نقش عمده‌ای دارند؛ زیرا آن اثر متعلق به آن شهر است. چنانکه شاعر وقتی تپهٔ حکمتانه را معرفی می‌کند، می‌گوید نشان از قدمت شهر همدان دارد. پس آثار و بناهای تاریخی در شعر کودک با اهداف خاصی چون معرفی، آگاهی از هویت، فرهنگ و تاریخ، شناساندن ارزش آثار تاریخی و همچنین نقش آن آثار در ارزش‌گذاری شهرها گنجانده شده‌اند.

البته ناگفته نماند گاهی هدف شاعر از اشاره به بناهای تاریخی، تأکید بر شاخصه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ ایرانی نیز هست. چنانچه در شعر زیر شاعر نه تنها قصد دارد، کودک را با یک مسجد تاریخی آشنا سازد، بلکه به صورت ضمنی این نکته را هم به گوش کودک می‌رساند که مسجد جامع در فرهنگ ایرانی، بیشتر در مرکز شهر واقع می‌شود و یکی از دلایل آن این است که همهٔ اقشار بتوانند برای نمازهای گروهی در آنجا حاضر شوند و این شعر در واقع نظری دارد به پیشینهٔ تاریخی و فرهنگی ارتباط مسجد و بازار در فرهنگ ایرانی:

با پیشنهاد حسن / رفتن شهر همدان / ... / اینجا وسط شهره / جای خرید و بازار / هم جای رفت و آمد / هم مرکز کسب و کار / مسجد جامع شهر / واقع شده در اینجا / یه مسجد تاریخی / با یه بنای زیبا (همان: ۵)

۲.۲.۲.۲ مقبرهٔ بزرگان علم و ادب

شاعران و نویسندگان نقش مهمی را در اعتلای فرهنگ و ادبیات جوامع ایفا می‌کنند، به ویژه برخی از این افراد وقتی آثارشان از اجتماع و زندگی مردم نشأت می‌گیرد، نقششان در

ترویج فرهنگ و غنی‌سازی آن افزون می‌شود؛ زیرا که شعرشان بستری می‌شود برای بیان آداب و مسائل اجتماع. پس آشنایی با چنین افرادی و با آثارشان، آشنایی با فرهنگ و ادبیات آن جامعه و دوره است. وقتی شاعر می‌گوید:

به‌به به شیراز/ این شهر زیبا! / با آن کتاب/ ناز و فریبا/ در حافظیه/ من شاد گشتم/ از هر چه اندوه/ آزاد گشتم/ آنجا کسی هست/ که شاعر ماست/ نام عزیزش/ در خاطر ماست/ او خواجه حافظ/ استاد اشعار/ او گل و خاکش/ مانند گلزار(پرشاد، ۱۳۸۹: ۴۱)

وی هدفش از سخن راندن از حافظیه و مقبره شاعر، شناساندن حافظ، یکی از بزرگان شعر و ادب ایرانی و آشنایی کودک با پیشینه فرهنگ غنی ایران است؛ زیرا که حافظ جزو شاعرانی است که شعرش چون آینه‌ای فرهنگ ایرانی را منعکس می‌کند. در اینجا، عنصر مادی دستاویزی است برای معرفی پیشینه ادبی و فرهنگی ایران.

۳.۲.۲ خوراک

یکی از راه‌های درک فرهنگ که می‌توان به کمک آن به گنجینه بزرگی از معانی دست یافت، غذا و تنوع موجود در آن است. به واقع تاریخ تکامل و تحول فرهنگ با تاریخ تحول و تکامل غذا در هم تنیده است. غذا، جهان‌بینی، باورها و آموزه‌های فرهنگی و تمدنی یک جامعه را انعکاس می‌دهد. در ایران نیز غذا تاریخی به قدمت فرهنگ و تمدن ایرانی دارد. (حسن‌زاده، ۱۳۹۶: مقدمه) لذا در شعر کودک، اشاره به آن ضروری دانسته شده است، چنانچه در شعر زیر غذای مخصوص اصفهان معرفی می‌شود:

می‌گن که اصفهان نصف جهان/.../ غذای معروف اونا «کله‌جوش»/ تو قابلمه هی می - خوره جوش و جوش(پرشاد، ۱۳۸۹: ۴۰)

اگرچه معرفی خوراک شهرها، امری بدیهی به نظر می‌رسد، اما گفتنی است که کودک در پی آشنایی با آن با تنوع قومی و اقلیمی آشنا می‌شود و از آنجا که تنوع قومی و اقلیمی در ایران، چشم‌اندازی دیگر از تنوع فرهنگی را در رخساره رنگارنگ غذاها مجسم می‌کند(حسن‌زاده، ۱۳۹۶: مقدمه)، اهمیت مسأله آشکار می‌شود.

۴.۲.۲ سوغاتی

سوغاتی به عنوان عنصری مادی از فرهنگ، نماینده فرهنگ و هنر اقوام است، زیرا که می‌تواند از دستاوردها، هنرهای دستی و آثار هنری ملل باشد. اگرچه این عنصر بار اعتقادی را

نیز به دوش می‌کشد. در شعر کودک و نوجوان سوغاتی برخی از شهرها معرفی شده است. اگرچه ما به صورت مستقیم شاهد بار معرفتی این عنصر نیستیم، اما به صورت غیرمستقیم ملاحظه می‌شود که سوغاتی دادن از موارد استحکام و نیرو بخشیدن به روابط اجتماعی و انسانی است. لذا شاعر مخاطب را به آن دعوت می‌نماید:

سوغات این شهر عسل و سرشیره/ هر کی می‌ره از هر دو تاش می‌گیره/ تابستونا با مامان و باباتون/ همه برین سرعین بچه‌ها جون (پرشاد، ۱۳۸۹: ۴۳)

جدول شماره ۱: فراوانی عناصر معنوی فرهنگ^۱

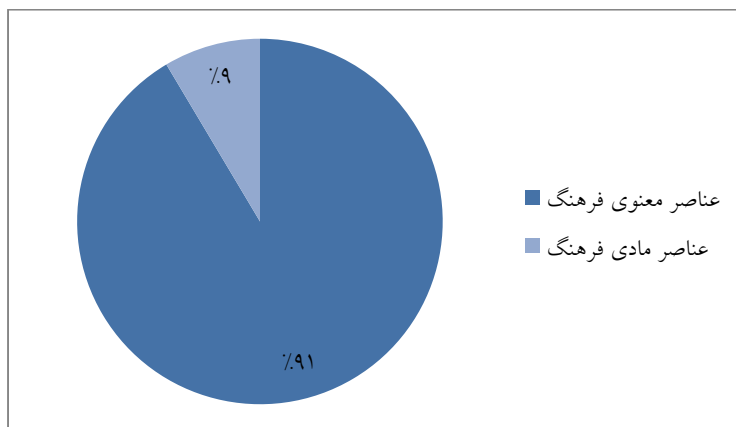
دهه	لالایی	چیستان	آیین	زبان عامه	رسوم	باورها	فراوانی	درصد
۷۰	۲	-	۵	۴۱	-	۴	۵۲	۱۵/۲۰
۸۰	۱۳	۳۹	۱۲	۳۰	۱	۶	۱۰۱	۲۹/۵۳
۹۰	۷۹	۳۰	۱۷	۵۱	۱	۱۱	۱۸۹	۵۵/۲۷
جمع							۳۴۲	۱۰۰

جدول شماره ۲: فراوانی عناصر مادی فرهنگ

دهه	ابزارها	مکان ها و آثار	خوراک	سوغات	فراوانی	درصد
۷۰	۲	-	-	-	۲	۶/۲۵
۸۰	۲	-	۱	۴	۷	۲۱/۸۷۵
۹۰	۵	۱۴	۱	۳	۲۳	۷۱/۸۷۵
جمع					۳۲	۱۰۰

جدول شماره ۳: مجموع فراوانی‌ها

عناصر	فراوانی	درصد
معنوی	۳۴۲	۹۱
مادی	۳۲	۹
جمع	۳۷۴	۱۰۰



۳. نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شاعران حوزه کودک و نوجوان با کاربرد عناصر فرهنگ عامه (مادی و غیر مادی) به صورت آگاهانه در شعر، علاوه بر آموزش آن‌ها به مخاطب و ارائه تصویری روشن از فرهنگ جامعه، در جهت احیا و انتقال عناصر فرهنگی تلاش کرده‌اند. آن‌ها نقش هر دو عنصر سازنده فرهنگ عامه را در شناخت و تداوم فرهنگ جامعه ضروری دانسته و هر دو را یادآور شده‌اند. اگرچه بسامد عناصر معنوی فرهنگ در سه دهه اخیر (۳۴۲ مورد) نسبت به عناصر مادی (۳۲ مورد) در شعرشان بیشتر است، اما آن‌ها با کاربرد هر دو عنصر، بسیاری از مبانی تربیتی، اخلاقی، روان‌شناسی، اجتماعی و ... را آموزش داده‌اند. در واقع کاربرد هر کدام از عناصر فرهنگی توسط شاعران این حوزه رویکرد معرفتی و تربیتی دارد. چنانچه آن‌ها با بیان جشن‌ها، رسوم و باورهای خفته در بطن آن‌ها (عناصر معنوی) نه تنها گام بزرگی را در راستای شناخت بخشی از مبانی هویت ملی به کودک برداشته بلکه موجبات حفظ و صیانت فرهنگ و هویت ملی خویش را فراهم آورده‌اند. این در حالیست که در کنار این امر به تحکیم روابط خویشاوندی و خانوادگی نیز تأکید کرده‌اند. یا وقتی از چیستان و لالایی‌ها استفاده نموده‌اند، هدفشان آموزش، سرگرمی، رشد عواطف و هیجانات، پرورش ذهنی کودک و نوجوان و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی آن‌ها بوده است. همچنین زمانی که از عناصر مادی چون آثار و بناهای تاریخی و... در شعر سخن رانده‌اند، هدفشان علاوه بر معرفی، آگاهی از هویت، فرهنگ، تمدن و تاریخ،

شناساندن ارزش آثار تاریخی و نقش آن آثار در ارزش‌گذاری شهرها، آشنایی با سرگذشت نیاکان، ایجاد پیوند فرهنگی بین نسل‌ها، ترویج فرهنگ و هنر و ... بوده است.

پی‌نوشت

۱. کتاب‌های اشعار سه دهه اخیر که مورد بررسی قرار گرفته و فراوانی‌های جدول‌ها بر اساس آن‌ها تنظیم شده است عبارتند از: باغ سبز شعرها، یاس و پرند، آب مثل سلام، آواز پوپک، باغ سبب، تو بوی سبب می‌دهی، چستم من، قالی رنگین کمان، پرند خواهر من است از جعفر ابراهیمی؛ بابا آمد نان آورد، فصل بهار بنویس، چشمه نور، اون چیه که اون کیه که گل و چای و خواستگاری، روز خوب پیروزی، اون چیه که قشنگه، اون چیه که دور زمین می‌گرده، اون چیه که سفیده، اون چیه که شیرینه، اون چیه که پا نداره، خاله جان دی‌دو و چندتا گردو از مصطفی رحماندوست؛ شاعر و شب-بو، ساز شاخه‌ها، پولک ماه، ساز من ساز جیرجیرک، پروانه و گل‌سر، تاب تاب تاب بازی، رنگین کمان کودکان، زمین ما دل ما، لالا لالا عروسک جان، یک نفر رد شد از کنار دلم، ترانه‌های سبز و آبی، با قطار باد، علی کوچولو کلاغ شد، آواز توکا، هر کی یه رنگی داره، گل آفتابگردان، تکه‌ای از دریا، آخرین پرند آزاد از اسدالله شعبانی؛ بابا و باران، من و خواب جنگل، زنبور و سبب قرمز، کلاغه به خونه‌ش نرسید، گرپ گرپ، سلام آدم فضایی، چتری از گلبرگ‌ها از افسانه شعبان نژاد؛ کلاغ زرد، آه پونه، چکه‌ای آواز تکه‌ای مهتاب، میوه‌هایشان سلام! سایه‌هایشان نسیم، باغ رنگارنگ آواز قشنگ، فرشته‌ای از آسمون، پاییز خانم، از برگ گل بهتر، پونکا و پونکا، دلنگ و دلنگ، هم‌چین و هم‌چین، قد سر سوزن، کی بود کی بود؟ مداد بود خط تو نوکش زیاد بود از ناصر کشاورز؛ بچه‌های جهان، زبان چیزها، جم‌جمک از محمود کیانوش؛ به خاطر خروسه، دست کوچولو پا کوچولو، خاله‌ریزه و صندوق جادویی، خاله‌ریزه و گنج بزرگ، خاله سوسکه و آقا موشه، خاله سوسکه و وروجک، دامن چین‌چینی، بود و بود و بود از شکوه قاسم‌نیا؛ تنها خدا فهمید، خدا رنگ گلابی، شعر سبزه‌ها، هیئت گل‌ها از احمد خدادوست؛ آقای تابستان، اسب حنایی، چشمه خانم، کفشی به رنگ کفش دریا از منیره هاشمی؛ گنجشک پر... جوراب پر، میو میو ... تشکر، یک قوری پر از قور، وای اگر دم داشتم از مریم هاشم‌پور؛ دامادی آقا کلاغه، صدای بال لک لک‌ها، ۴۸ لالایی برای ۴ فصل از مریم اسلامی؛ کودکان شاد ایران، مردمان خوب ایران، پرچم زیبای ایران، نقشه زیبای ایران از سید محمد مهاجرانی؛ رونویسی از بهار، با دو چشمم می‌چشم از غلامرضا بکتاش؛ آسمان کوچک، صدای ساز باران، درخت خانه ما از محمود پوروهاب؛ ساندویچ قطار، دمپایی خورشید از حسین تولایی؛ بچه پیراهن، بوریم بازار، ایران دوست دارم از مهری ماهوتی؛ چکاوک و چمنزار، یک تکه بال صورتی، مثل یک لبخند از صفورا نیری؛ بلدم شعر بگویم از افشین علاء؛ دم گریه‌ها را بکش، قچ قچ از طیبه شامانی؛ تنها انار خندید و ترانه‌های نی‌نی عینکی از محمد کاظم مزینانی؛ سرزمین گل‌ها و اسم قشنگ یلدا از کمال شفیع‌ی مشعوف؛ هم ملوس و هم زیباست و ای خدا نگاهم کن از مهدی وحیدی صدر؛ بچه‌ها بهار را صدا کنید و مثل پر پروانه از حمید هنرجو؛ دانه و هندوانه از اسدالله اسحاقی؛ دوربین خدا از اسماعیل الله‌دادی، کلاس بهار از محمد حسن حسینی؛ یک قاچ هندوانه از زهرا داوری، گل بادام از پروین دولت‌آبادی؛ غم‌های قلابی، خنده‌های ماه از شاهین رهنما؛ شب تاریک از فریدون سراج؛ کاش باران می‌شدم، زندگی یک لبخند از داوود لطف‌الله؛ قصه طوقی از م.آزاد؛ پشت سر

پاییز از مهدی مردانی؛ آب و تاب از سعیده موسوی زاده؛ گل اومد بهار اومد از منوچهر نیستانی؛ خواهرم پرنده شد از بابک نیک‌طلب؛ قوی قشنگ ابری از زهرا وثوقی؛ لالایی‌های من از سمانه اسدی؛ شهر آینه‌های رنگی از سارا پرشاد؛ وقت گل برف از مریم زندی؛ مهمانی کوچک از رابعه راد؛ داستان انقلاب از بنفشه رسولیان بروجنی؛ ترانه‌های کودکان-ی عمو بیچه از علیرضا سلیمانی؛ تیر برق و مورچه از شهلا شهبازی؛ سرزمین ایران از داریوش صادقی و مریم ماستری؛ من بیچه شیعه هستم از سید محمد هادی صدرالحفاظی؛ حسنی چه شاد و خندان داره می‌ره همدان از مریم کوثری هنرمند؛ گل یخ از نوشین نوری؛ کوچه دریاچه‌ها از بیوک ملکی؛ و مجموعه‌های اشعار: ترانه‌های نوروزی؛ نسیم دختر باد؛ آب و مهتاب؛ ترانه‌های بابایی؛ ترانه‌های شهر؛ پنجره‌ای رو به ماه؛ بلبل‌ی در دهانم لانه دارد؛ آسمان دریا شد.

کتاب‌نامه

- اسلامی، مریم (۱۳۹۳). ۴۱ لالایی برای ۴ فصل، تهران: قدیانی.
- بهمنیار، احمد (۱۳۶۹). *داستان‌نامه بهمنیاری*، تهران: دانشگاه تهران.
- پرشاد، سارا (۱۳۸۹). *شهر آینه‌های رنگی*، تهران: همداد.
- ثروت، منصور (۱۳۹۶). *فرهنگ کنایات*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حجوانی، مهدی، لزگی، حبیب‌الله (۱۳۸۵). «تجلی فرش و قالی در ادبیات کودک ایران»، *انجمن علمی فرش ایران*، س ۱، ش ۲.
- حسن زاده، علیرضا (۱۳۹۶). *غذا در آیین فرهنگ*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۲). «لالایی‌های مخملین»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، ش ۱.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۸۷). *امثال قرآن*، آبادان: پرسش.
- دین‌محمدی کرسفی، نصرت‌الله (۱۳۸۴). «زبان و فرهنگ عامیانه در دیوان صائب»، *نامه پارسی*، ش ۳۶.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). *زبان و ادبیات عامه ایران*، تهران: سمت.
- راد، رابعه (۱۳۷۷). *مهمانی کوچک*، تهران: سروش.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۸۸). *گل و چای و خواستگاری*، تهران: پنجره.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۳ الف). *اون چیه که پا نداره؟*، تهران: آبرنگ.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۳ ب). *اون چیه که سفیده؟*، تهران: آبرنگ.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۳ ج). *اون چیه که شیرینه؟*، تهران: آبرنگ.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۹۳ د). *اون چیه که قشنگه؟*، تهران: آبرنگ.
- روح الامینی، محمود (۱۳۶۵). *زمینه فرهنگ‌شناسی*، تهران: عطار.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۸۰). *پنج مقاله درباره ادبیات کودک*، تهران: ترفند.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۸۶). «پیوندهای آوایی و شعر عباس یمینی شریف»، *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، ش ۵۰.

- شعبانی، اسدالله (۱۳۸۷). *لالا لالا عروسک جان*، مشهد: به نشر.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۹۱). *علی کوچولوی شکمو*، تهران: قدیانی.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۹۲). *آواز توکا*، تهران: توکا.
- شعبانی، اسدالله (۱۳۹۵). *تکه‌ای از دریا*، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳). *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
- شفیعی مشعوف، کمال (۱۳۹۲). *اسم قشنگ یلدا*، تهران: آگرین.
- شهبازی، شهلا (۱۳۹۵). *تیر برق و مورچه*، تهران: امیر کبیر.
- قزل ایاغ، ثریا (۱۳۹۲). *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن*، تهران: سمت.
- کاتبی، حسین علی (۱۳۸۰). *ادب و ادبیات*، تهران: مرکز.
- کشاوری، ناصر (۱۳۹۲). *هم‌چین و هم‌چین*، تهران: شهر قلم.
- کوثری هنرمند، مریم (۱۳۹۲). *حسنی چه نساد و خندان، داره می‌ره همدان*، تهران: اردیبهشت.
- کیانوش، محمود (۱۳۷۸). *بیچه‌های جهان*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان نوجوان.
- مزیانی، محمدکاظم (۱۳۸۹). *ترانه‌های نینی عینکی*، تهران: افق.
- نژاد ابراهیمی، احد، پورجعفر، محمدرضا، انصاری، مجتبی، حناچی، پیروز (۱۳۹۲). «ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگی-تاریخی»، *مرمت و معماری ایران*، س ۳، ش ۶.
- نصیری، قدیر (۱۳۸۷). *مبانی هویت ایرانی*، تهران: تمدن ایرانی.